

[مقدمه واجب 2](#_Toc26004425)

[دوران رجوع قید به ماده یا هیئت 2](#_Toc26004426)

[تذکر دو نکته 2](#_Toc26004427)

[نکته اول:دوران بین تقیید هیئت و عدم قابلیت تقیید اطلاق ماده و بین تقیید ماده 2](#_Toc26004428)

[نکته دوم:مجال داشتن دوران بین تقیید هیئت و عدم قابلیت تقیید اطلاق ماده و تقیید ماده 2](#_Toc26004429)

[عدم صحت نسبت قبول مختار مرحوم شیخ به مرحوم آخوند در قید منفصل 2](#_Toc26004430)

[عدم ملازمه بین تقیید اطلاق هیئت و تقیید اطلاق ماده و قابلیت نداشتن اطلاق ماده 3](#_Toc26004431)

[کشف نکردن اطلاق ملاک از مجرد اطلاق ماده 4](#_Toc26004432)

[عدم ارتباط کشف نفی وجوب قید از اطلاق ماده 4](#_Toc26004433)

[عدم ملازمه بین تقیید هیئت و تقیید ماده 5](#_Toc26004434)

**موضوع**: بررسی کلام مرحوم اصفهانی /دوران رجوع قید به ماده یا هیئت /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد دوران رجوع قید به ماده یا هیئت بود. مرحوم شیخ وجه دومی مطرح کردند. ایشان فرمودند: تقیید هیئت مستلزم تقیید ماده است و تقیید ماده مستلزم تقیید هیئت نیست. پس دوران امر بین مخالفت دو ظهور یا یک ظهور است. رفع ید از یک ظهور مقدم است. مرحوم آخوند فرمود: دوران امر بین مخالفت یک ظهور و یک ظهور است. زیرا با تقیید هیئت، اطلاقی برای ماده منعقد نمی­شود. مرحوم اصفهانی فرمود: تقیید هیئیت نه مستلزم تقیید ماده است و نه موجب بطلان اطلاق ماده است.

# مقدمه واجب

## دوران رجوع قید به ماده یا هیئت

### تذکر دو نکته

#### نکته اول:دوران بین تقیید هیئت و عدم قابلیت تقیید اطلاق ماده و بین تقیید ماده

نکته اول این است که مرحوم شیخ که اطلاق هیئت را بر اطلاق ماده مقدم داشته است، فرموده است: محال است که تقیید هیئت موجب تقیید ماده باشد. تقیید هیئت، قابلیت ماده را برای اطلاق ماده از بین می­برد. وقتی وجوب اکرام مشروط به مجئ زید شد، معنا ندارد که ماده اکرام داشته باشد. ایشان ادعاد ندارد که دوران بین یک تقیید و دو تقیید است. بلکه بین یک تقیید که مبطل اطلاق ماده است و بین تقیید ماده است و ایشان ادعا کرده است، همان طوری که اذا دار الامر بین تقییدین و تقید واحد باید تقیید واحد را اخذ کنیم همچنین اذا دار الامر بین تقیید مبطل اطلاق و تقییدی که مبطل نیست، تقیید بدون ابطال مقدم است. این بحث که آیا تقیید هیئت می­تواند تقیید ماده باشد یا نه؟ در آینده خواهد آمد.

#### نکته دوم:مجال داشتن دوران بین تقیید هیئت و عدم قابلیت تقیید اطلاق ماده و تقیید ماده

نکته دوم که مهم است این است که مرحوم آخوند فرمود[[1]](#footnote-1): منشا توهم شیخ این است که اطلاقِ مطلق مانند عمومِ عام منعقد می­شود لذا دوران امر بین مخالفت دو ظهور و یک ظهور است. بعد فرموده است: این منشا توهم در قیدمتصل مجال ندارد و در متصل اصلا ظهوری منعقد نیست اما ادعای ایشان در قید منفصل صحیح است. ما گفتیم بر مبنای شیخ ادعای مرحوم آخوند جاری نیست.

##### عدم صحت نسبت قبول مختار مرحوم شیخ به مرحوم آخوند در قید منفصل

مرحوم خویی فرموده است[[2]](#footnote-2): مرحوم آخوند در قید منفصل که محل بحث است حرف شیخ را قبول کرده است؛ زیرا دو ظهور برای اکرم زیدا منعقد شده است. یکی اطلاق هیئت است و دیگری اطلاق ماده است. بعد یک قیدی آمده است که نمی­دانیم به هیئنت رجوع می­کند و یا به ماده رجوع می­کند. پس دوران امر بین مخالفت با دو ظهور و یک ظهور است. لذا رفع ید از یک ظهور مقدم است. پس مرحوم آخوند جزء کسانی است که ادعای مرحوم شیخ را قبول کرده است.

به نظر ما مرحوم آخوند نمی­خواهد مختار مرحوم شیخ را در قرینه منفصل قبول کند؛ زیرا ایشان می­فرماید: در منفصل توهم مجال دارد نه این که ادعای مرحوم شیخ درست است. ایشان می­گوید[[3]](#footnote-3): این توهم در قید منفصل مجال دارد. اساسا جواب اصلی مرحوم آخوند این بود که دوران امر است بین این که یک اطلاق مبطل از بین برود یا اطلاق لا مبطل از بین برود. دلیل نداریم که اطلاق لا مبطل مقدم بشود. بله دلیل داریم که در دوران امر بین مخالفت یک ظهور و مخالفت دو ظهور، رفع ید از یک ظهور مقدم است ولی جواب مرحوم آخوند به مرحوم شیخ این بود که در دوران بین اطلاق مبطل و اطلاق لا مبطل دلیلی نداریم که اطلاق لا مبطل مقدم بشود.

پس ادعای مرحوم آخوند این است که اولا توهم در قید متصل مجال ندارد و ثانیا در منفصل مجال دارد اما جواب آن این است که دلیل نداریم که اطلاق لا مبطل بر اطلاق مبطل مقدم بشود. موید این مطلب نیز در تقریرات مرحوم آخوند وجود دارد.

این که مرحوم خویی به مرحوم آخوند نسبت داده است که ایشان ادعای مرحوم شیخ را در قید منفصل قبول دارد صحیح نیست و دقت در عبارات مرحوم آخوند خلاف این مطلب را می­رساند.

### عدم ملازمه بین تقیید اطلاق هیئت و تقیید اطلاق ماده و قابلیت نداشتن اطلاق ماده

مرحوم شیخ فرمود[[4]](#footnote-4): اگر هیئت تقیید زده بشود اطلاق ماده و اطلاق هیئت از بین می­رود. مرحوم آخوند فرمود: با اطلاق هیئت، ماده قابلیت اطلاق ندارد. مرحوم حاج شیخ اصفهانی فرموده است[[5]](#footnote-5): همان طوری که تقیید هیئت مستلزم تقیید ماده نیست، تقیید هیئت هم مبطل اطلاق ماده نیست و اطلاق ماده به حال خودش باقی است. اگر مجئ زید به وجوب تعلق داشته باشد ماده به اطلاق خودش باقی است و اصلا باطل نمی­شود. بله تقیید هیئت اطلاق ماده را بما هو واجب از بین می­برد. وقتی وجوب، مشروط به عند المجئ شد، اکرام (با قید واجب) هم که مبدا است عند المجئ است. زیرا وجوب که قبل از ماده نیامده است تا ماده اطلاق داشته باشد. پس ذات اکرام قیدی نخورده است. وجوب مشروط به عند المجئ شده است ولی ذات اکرام مطلق است. فایده اطلاق ماده این است که از اطلاق ماده، اطلاق ملاک را کشف می­کنیم و همچنین به مقتضای اطلاق ماده حکم به واجب التحصیل نبودن قید می­شود چون قیدی واجب التحصیل است که قید ماده باشد. ما با اطلاق ماده نفی وجوب قید می­کنیم

ان قلت: واضح است که قیدِ واجب وجوب ندارد؛ چون قید وجوب هم هست. وقتی مقدمه وجوبیه است وجوب تحصیل ندارد پس اطلاق ماده در این ناحیه فایده ای ندارد.

مرحوم اصفهانی فرموده است این ادعا درست است ولی چه اشکالی دارد که اطلاق ماده هم اقتضای نفی آن را داشته باشد. هم از حیث مقدمه وجوبیه بودن واجب التحصیل نیست و هم از باب قید ماده بودن و اطلاق ماده واجب التحصیل نیست. پس نفی وجوب با اطلاق ماده اشکالی ندارد هر چند که عدم وجوب قید هم مقتضای تقیید هیئت است.

نتیجه: با تقیید هیئت تقیید ماده لازم نمی­آید پس دوران امر بین مخالفت یک ظهور و یک ظهور است نه این که مخالفت دو ظهور و یک ظهور باشد کما این که مرحوم شیخ ادعا فرمود.

#### کشف نکردن اطلاق ملاک از مجرد اطلاق ماده

به نظر ما این مطالب نمی­تواند مساله را حل کند. (مرحوم خویی همین راه را رفته است ولی بیانشان متفاوت است) به نظر ما اگر هیئت تقیید زده شود، دیگر جایی برای تمسک اطلاق ماده نیست. زیرا نسبت به کشف ملاک گفته می­شود که کاشف از ملاک مجرد ماده نیست. ما از مجرد ماده به ملاک نمی­رسیم، بلکه کشف اطلاق ملاک از ماده ای که وجوب دار است کاشف از اطلاق ملاک می­شود. اگر گفته شده است از اطلاق ماده کشف از اطلاق ملاک می­شود در جایی است که وجوب ماده، اطلاق داشته باشد. اما در جایی که صرف ذات ماده اطلاق داشته باشد ملازم با کشف اطلاق ملاک ندارد. در حقیقیت کاشف از ملاک اطلاق وجوب است.

#### عدم ارتباط کشف نفی وجوب قید از اطلاق ماده

کما این که گفته شد اطلاق ماده برای نفی وجوب قید است، درست نیست؛ زیرا ماده ای که مطلقا واجب شده است نفی وجوب قید می­کند اما ذات ماده ربطی ندارد که بگوید: قید من واجب است یا واجب نیست. اگر وجوب بر مقید مترتب شده بود، اقتضاء می­کند که قید واجب باشد واگر بر ذات ماده مترتب شده باشد، قید واجب نشده است. نکته ی این که قید واجب التحصیل است این است که وجوب برحصه آمده است و حصه متوقف آن است. اطلاقِ ذات ماده لا اقتضاء است.

ان قلت: مقتضای انکار ثمره این نیست که ماده اطلاق ندارد. اطلاق ماده هست ولی کاشفیت ندارد. پس تقیید اطلاق هیئت ماده را از بین نمی­برد. نهایتش این است که کاشفیت ندارد. حال که اطلاق ماده را از بین نمی­برد پس دوران امر بین مخالفت یک ظهور و دو ظهور نیست.

قلت: ما می­گوییم با ثمره نداشتن اطلاق ماده، اطلاق ماده را از بین می­رود؛ زیرا انعقاد اطلاق به خاطر ثمره داشتن است. حال اگر ثمره نداشته باشد پس اطلاقی در کار نیست. مرحوم اصفهانی نیز اطلاق ماده را می­خواست از طریق ثمره داشتن منعقد کند. حال که ثمره نداشت، پس اطلاق منعقد نمی­شود.

نتیجه:پس ادعای شیخ که می­فرماید اگر هیئت تقیید زده بشود مجالی برای اطلاق ماده نیست، صحیح است.

#### عدم ملازمه بین تقیید هیئت و تقیید ماده

مرحوم خویی فرموده است[[6]](#footnote-6): تقیید هیئت مستلزم تقیید ماده نیست و مبطل اطلاق ماده هم نیست. زیرا بین تقیید هیئت و تقیید ماده عموم خصوص من وجه است. مواردی هست که قید فقط قید وجوب است مثلا استطاعت فقط قید وجوب است لذا اگر کسی مستطیع شد و بعد فقیر شد، حج در حال فقر بعد از استطاعت حجه الاسلام است؛ چون استطاعت فقط قید وجوب است. قیودی هم هستند که فقط قید واجب هستند مانند طهارت در صلات که قید نماز هستند. چه تحصیل طهارت بشود و چه نباشد صلات وجوب دارد. وجوب صلات نسبت به تحصیل طهارت مطلق است. بعضی از قیود هم قید هیئت و هم قید ماده هستند مانند زوال شمس که هم قید هیئت هستند تا زوال نباشد وجوب نمی­آید و هم قید ماده هم هست نماز قبل از زوال باطل است. پس نسبت بین قید وجوب و قید واجب عموم و خصوص من وجه است لذا ادعای مرحوم شیخ صحیح نیست. ممکن است هیئت مقید باشد ولی ماده مطلق باشد زیرا ممکن است قید ماده نباشد. نظیر قید استطاعت.

این سوال مطرح می­شود که اساسا یک چیزی می­تواند هم قید وجوب باشد و هم قید واجب باشد؟ ادامه بحث در جلسه آینده.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص107.](http://lib.eshia.ir/27004/1/107/توهم) [↑](#footnote-ref-1)
2. آدرس آن را نیافتم [↑](#footnote-ref-2)
3. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص107.](http://lib.eshia.ir/27004/1/107/مجال) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مطارح الانظار، الشیخ المرتضی الانصاری، ج1، ص253.](http://lib.eshia.ir/13108/1/253/ثانیهما) [↑](#footnote-ref-4)
5. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج2، ص95.](http://lib.eshia.ir/27897/2/95/دوران) [↑](#footnote-ref-5)
6. [محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابولقاسم، ج2، ص380.](http://lib.eshia.ir/13106/2/380/التاسعه) [↑](#footnote-ref-6)